

مطالعه تطبیقی مشروعیت مداخله نظامی از طریق دعوت در اسلام (شیعه) و غرب با تأکید بر مشروعیت مقام دعوت‌کننده

علی دلداری*، محمود جلالی**، لیلا رئیسی***

چکیده

موضوع مشروعیت مداخله نظامی و مشروعیت مقام دعوت‌کننده از جمله موضوع‌های بحث‌برانگیز در جهان معاصر است. این نوع مداخله‌ها به لحاظ نظری و مصداق‌های عملی در اسلام و غرب تفاوت‌هایی دارد که بررسی نشده است. بنابراین مشروعیت مداخله نظامی و مشروعیت مقام دعوت‌کننده در هاله‌ای از ابهام است. حال پرسش این است که مشروعیت مداخله و مشروعیت مقام دعوت‌کننده در اسلام و غرب بر چه مبنایی است؟ (سؤال). در غرب در دعوت به مداخله، مسئله کشور و مشروعیت مقام دعوت‌کننده مطرح است، اما در اسلام مسئله دین‌کشوری که دعوت شده ملاک است (فرضیه). بنابراین در مقاله پیش‌رو نگارنده با روش تحلیلی و تطبیقی (روش) در صدد بررسی مشروعیت مداخله نظامی با مشروعیت مقام دعوت‌کننده است (هدف). کشورهای غربی عضو شورای امنیت بیشتر به صورت سلیقه‌ای و متفاوت، توأم با اهداف سیاسی عمل کرده‌اند و کشورهای اسلامی نیز دین‌کشور دعوت‌شده را مدنظر قرار نداده‌اند (یافته‌ها).

واژه‌های کلیدی: مشروعیت حکومت، مداخله نظامی، مشروعیت مداخله نظامی، مقام دعوت‌کننده، رضایت.

* دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، (نویسنده مسئول)،
a.deldar1349@yahoo.com

** دانشیار حقوق بین الملل دانشگاه اصفهان، m.jalali@ase.ui.ac.ir

*** دانشیار حقوق بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، raisi.leila@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۵

مقدمه

حقوق بین‌الملل، هرگز اجازه زیر پا گذاشتن نظم بین‌الملل را با توجیه‌های بشردوستانه نداده است. بر اساس اصل عدم مداخله که اهمیتی همسان با منع توسل به زور در روابط بین‌الملل دارد و انعکاس دیگری از لزوم رعایت حقوق حاکمیت برابر دولت‌هاست، هیچ دولتی نمی‌تواند در اموری که تعیین و مدیریت آن بر عهده ساختارها و ارکان داخلی یک کشور و ملت است، مداخله و نظر و دیدگاه خود را تحمیل کند.

عدم مداخله، برابری اصل برابری حاکمیت دولت‌ها و بیانگر استقلال در روابط خارجی است؛ به گونه‌ای که هر دولتی باید با رعایت موازین بین‌المللی و بر اساس تصمیم و تشخیص دولت و ملت خود، نسبت به اداره آنها اقدام کند. طبق «قطعنامه اصول حقوق بین‌الملل در همکاری میان دولت‌ها بر اساس اهداف منشور ملل متحد» که در دهه ۱۹۷۰م. به تصویب مجمع عمومی رسیده و محتوای آن عمدتاً به قواعد عرفی تبدیل شده است، کشورداری و نحوه تشکیل یا ساختار حکومت، از جمله امور داخلی است که هیچ کشوری نمی‌تواند به جای ملت کشور مربوط در آن دخالت و خواست مردم را تضعیف یا جایگزین کند.

به هر حال، این‌گونه مداخله‌ها، نقض آشکار اصل عدم مداخله در روابط بین‌الملل است و مفاد بندهای ۱، ۲ و ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد را نقض می‌کند. به رغم تلاش‌های هماهنگ نظام سلطه، هنوز هم نظریه‌های غربی در زمینه ترغیب اقدام نظامی به بهانه بشردوستی و مبارزه با تروریسم به قاعده حقوقی تبدیل نشده است و هرگونه مداخله نظامی که نقض کننده حقوق بین‌الملل باشد، موجب مسئولیت اقدام‌کنندگان به تهدید یا مداخله نظامی خواهد شد (نادر ساعد، ۱۳۹۲: ۱۲۵).

علاوه بر این، در سال ۱۹۸۱م. مجمع عمومی با صدور قطعنامه ۱۰۳/۳۶ در زمینه اجرای اعلامیه، غیرقابل پذیرش بودن مداخله در امور داخلی کشورها گام دیگری در تقویت اصل عدم مداخله برداشت و اعلام کرد که اصل عدم مداخله در امور داخلی و خارجی شامل موارد زیر است:

۱. خودداری از هرگونه اعمال حق تعیین سرنوشت (نقض حق تعیین سرنوشت مردم یمن توسط عربستان).

۲. خودداری از سوء استفاده و مخدوش کردن موضوعات حقوق بشری (ادعای حقوق بشردوستانه انگلیس در سوریه).

اما اصل عدم مداخله، استثنای فراوانی دارد که یکی از آنها «دعوت به مداخله» است. بر اساس قوانین بین‌الملل، «دعوت به مداخله» به این معناست که دولتی که مداخله در خاک آن صورت می‌گیرد: اولاً دولت قانونی و مشروع یک کشور محسوب شود. ثانیاً این دولت قانونی از کشور دیگری بخواهد تا با کمک برای مهار مهاجم، به چنین مداخله‌ای مبادرت نماید. در این صورت است که این مداخله، مشروع و قانونی تلقی می‌شود.

حال با توجه به این مطالب، دولت منصور هادی در یمن با نقض قانون اساسی از عربستان دعوت کرد؛ از طرفی یانوکوویچ در اوکراین از سِمَت ریاست جمهوری عزل شده از روسیه دعوت به عمل آورد و در نهایت در سوریه و عراق (به عنوان کشور مسلمان) که مورد حمله گروه تروریستی داعش قرار گرفته، از کشورهای غربی و شرقی دعوت کرده‌اند؛ حال سؤال این است که مشروعیت این نوع دعوت و مداخله‌ها چگونه ارزیابی می‌شود؟ قاعده کلی این است که دعوت به مداخله اگر از سوی دولت قانونی مستقر در یک سرزمین و با رعایت قوانین و مقررات انجام شود مشروع است، اما اگر از سوی شورشیان یا سایر مقامات به عمل آید نامشروع بوده و مداخله‌ای که متعاقب چنین دعوتی انجام شده باشد، غیرقانونی است. از طرفی در اسلام، دعوت از کشور غیرمسلمان در امور داخلی مسلمانان جز در حالت ضرورت جایز نیست. امروزه شاهد هستیم که کشورهایی همچون آمریکا، انگلیس و روسیه در امور سوریه و عراق دخالت کرده و تا مدت‌ها این دو کشور را غارت کرده و منابع این کشورها را به یغما خواهند برد و به همه مسائل حساس سیاسی، نظامی، اقتصادی و... دسترسی خواهند داشت. به نظر می‌رسد که در زمینه قواعد مداخله نظامی، دکترین حقوقی از روند تحول عملی قواعد بازمانده است و دچار بحران سیاسی شده‌اند. قواعد رضایت به مداخله نظامی باید فراتر از استانداردهای موجود وضع شده و در دکترین بر مبنای نهادها، رویه‌ها و انتظارات اجتماعی تحلیل و ارزیابی شوند. حتی می‌توان گفت قواعد مداخله نظامی باید تا آنجا پیش رود که طبق قاعده دفاع پیش‌دستانه یا زود هنگام که امروزه به رسمیت شناخته شده است، کشورها بدون دعوت، به خاک کشوری که گروه

تروریستی یا شورشی غیرقانونی در آنجا مستقر است، وارد شوند، به شرطی که پس از سرکوب آنجا را ترک کنند؛ اما این کشورها نمی‌توانند به استناد قاعده چندان پذیرفته نشده دفاع پیشگیرانه داخل خاک این کشورها شده و آنها را سرکوب کنند.

مقاله پیش‌رو، با عنوان «مطالعه تطبیقی مداخله نظامی در اسلام (شیعه) و غرب با تأکید بر مشروعیت مقام دعوت‌کننده» به بررسی مشروعیت این نوع مداخله‌ها می‌پردازد (منظور از اسلام حکومتی است که در آن ولی امر حکم می‌راند و منظور از غرب کشورهای غربی عضو شورای امنیت است). ارزشمندی مقاله پیش‌رو این است که در مقاله‌های مختلفی که بررسی شده هیچ‌یک، حتی گذرا به دین کشور دعوت شده و اینکه در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد اشاره نکرده‌اند. نمونه آن آمریکا در عراق و سوریه است که پس از گذشت چند سال از قضیه دعوت، هنوز تمایلی به خروج از عراق و سوریه ندارد و تمام زیرساخت‌های این کشورها را از بین خواهد برد و از لحاظ نظامی و سیاسی کاملاً به خود وابسته خواهد کرد.

ادبیات نظری پژوهش

کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری در زمینه مشروعیت حکومت و مشروعیت مداخله، نگاشته شده است که بر حسب نویسنده، موضوع و نتیجه عبارتند از:

جدول ۱. پیشینه پژوهش

نویسنده	موضوع	ارزیابی
سیدمصطفی میرمحمدی	اصل عدم مداخله در اسلام و حقوق بین‌الملل	کتاب فقط به شرایط و ضوابط مداخله نظامی اشاره کرده است. معایب دعوت را بیان نکرده است.
محمدحسین رمضانی قوام‌آبادی و حیدر پیری	مشروعیت مداخله نیروهای ائتلاف علیه داعش در عراق و سوریه در چهارچوب حقوق بین‌الملل	مقاله به دفاع مشروع و شرط مقابله با تروریسم اشاره کرده است.
محمدرضا حاتمی	بررسی و نقد مبانی مشروعیت حکومت از دیدگاه اهل سنت	مشروعیت حکومت و نقش مردم در تعیین حاکم
لیلا رئیسی‌دزکی	تأثیر جهانی شدن حقوق بشر بر اصل	شورش و تقابل حق تعیین سرنوشت با

و محمد کفاش	عدم مداخله با تأکید بر بحران سوریه	مداخله نظامی
مسعود علیزاده	مداخله روسیه در بحران سوریه و اصل منع مداخله در جنگ‌های داخلی	مداخله روسیه در سوریه از لحاظ بین‌المللی مشروع و مبارزه با تروریسم است.
مصطفی فضانلی	مداخله نظامی در یمن از منظر حقوق بین‌الملل	مشروعیت نداشتن دعوت منصور هادی از لحاظ داخلی و نقض قانون اساسی یمن و متجاوز محسوب شدن عربستان
سید یاسر ضیایی و محسن یدائی اناب	مداخله نظامی خارجی در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی از منظر حقوق بین‌الملل: بررسی وضعیت عراق، سوریه، یمن و بحرین	شرایط مداخله در درگیری‌های داخلی و دعوت شورشیان

(منبع: یافته‌های تحقیق)

در این مقاله بیشتر به شرایط شکلی مداخله‌ها اعم از قانونی و غیرقانونی و جنبه حقوقی اعم از داخلی و بین‌المللی پرداخته شده است؛ یعنی مراحل و تشریفات داخلی و صلاحیت شخص دعوت‌کننده؛ و علاوه بر شرایط شکلی به شرایط ذاتی نیز پرداخته شده است. سوریه، عراق، یمن، و... به عنوان کشور اسلامی، آیا با وجود کشورهای مسلمان قدرتمند در منطقه باید از کشورهایی چون روسیه، آمریکا، انگلیس، فرانسه و... دعوت کنند؟ در حالی که در اسلام در دعوت به مداخله، شرایط دعوت به مداخله اعم از دین کشور دعوت شده، اعتماد و امانت‌داری، قوانین و مقررات جنگ، نوع تجهیزات جنگی مورد استفاده، و... ذکر شده که باید رعایت شود.

مفهوم مشروعیت از دیدگاه اسلام

پیدایش و بقای حکومت و قدرت سیاسی در یک نظام اجتماعی به مشروعیت قدرت حاکم است. در اندیشه شیعی، پذیرش اصل «امامت» و «ولایت» با بنا نهادن استدلال‌های عقلی و نقلی مشروعیت می‌یابد و با صفت عصمت گره می‌خورد و از اجزای ذاتی سیاست و حکومت است. بنابراین مشروعیت حکومت امام از ناحیه خداوند است، مقبولیت یا مقبولیت نداشتن در ارتباط با تحقق امر حکومت امام معصوم موضوعیت پیدا می‌کند.

در اندیشه شیعه محور نظام سیاسی و اجتماعی مطلوب «امام» است و در اندیشه فارابی و ابن‌سینا این محور «رئیس اول» است که به تعبیر حکمای مسلمان، عقل منفعل متصل به عقل فعال است. انسان کاملی که همان پیامبر یا فیلسوف است. چنین انسانی که بالفعل هم عقل است و هم معقول، اگر زمامداری جامعه را بر عهده گیرد آنگاه نظم مطلوب که اساسی‌ترین مشخصه جامعه است ظهور خواهد کرد. از نظر شیعه، حاکم کسی است که بر اساس نص الهی منصوب شده باشد و مشروعیت او از سوی خدا تعیین یا شکل گرفته باشد؛ چون حاکمیت و مالکیت تمام جهان از آن خداوند است و احدی جز او حق حاکمیت و تصرف در جهان را ندارد مگر به اذن الهی. بنابراین، شیعیان معتقدند که مشروعیت حکومت امام تنها از ناحیه خداوند حاصل می‌شود. تعیین امام نه به اختیار مردم، بلکه به تعیین خدا و پیامبر است. از این رو، امام شیعی صرف نظر از تحقق یا تحقق نیافتن حکومتش، مشروعیت دارد و مقبولیت یا مقبولیت نیافتن نزد مردم، در مشروعیت او تأثیری ندارد، بلکه مقبولیت مردم تنها در ارتباط با فعلیت و تحقق امر حکومت امام معصوم موضوعیت پیدا می‌کند (صالحی، ۱۳۹۷: ۶۴).

پس در اسلام که مبتنی بر دیدگاه انتصابی فقیه است، نظام حکومتی، یا مشروع یا غیر مشروع است. چنین نیست که حاکم اسلامی طی فرایندی به تدریج کسب مشروعیت کند یا برعکس با روی گردانی مردم یا با از دست دادن تدریجی بعضی شرایط در طول زمان از مشروعیتش کاسته شود؛ بلکه شخص، همین‌که مجتهد جامع‌الشرایط شد، حاکمیتش نیز بالفعل حاصل است و از سوی دیگر با از دست دادن حتی یک شرط مانند ارتکاب یک گناه، مشروعیت وی ساقط می‌شود.

مفهوم مشروعیت از دیدگاه حقوق بین‌الملل

بررسی مسئله مشروعیت حکومت‌ها و دولت‌ها همیشه از مسائل بحث برانگیز در میان محققان حقوق بین‌الملل بوده است. اهمیت این مسئله ناشی از آن است که دولت‌ها به عنوان اشخاص حقوقی، تابعان اصلی حقوق بین‌الملل بوده و بازیگر اصلی روابط بین‌الملل تلقی می‌شوند و این دولت‌ها از طریق حاکمان و حکومت‌های منتخب خویش در عرصه بین‌المللی ظهور می‌کنند و اعمالشان را توجیه می‌نمایند.

اما مشروعیت از دیدگاه حقوقی مستلزم تفکیک میان دو مقوله حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل است. از دیدگاه حقوق داخلی مشروعیت یک حکومت باید در چهارچوب هنجارها و قوانین اساسی سنجیده شود، حال آنکه در قلمرو بین‌الملل برای بررسی این مفهوم و آثار آن باید به قواعد بین‌الملل مراجعه شود. به اعتقاد برخی، نقش مشروعیت داخلی و ملی در حقوق بین‌الملل به خودی خود اثرگذار نخواهد بود، بلکه این حقوق بین‌الملل است که تعیین می‌کند مشروعیت نداشتن داخلی آیا می‌تواند آثار بین‌المللی برجای گذارد یا خیر. به اعتقاد این گروه از حقوقدانان، این فرض متصور است که در حقوق بین‌الملل قاعده‌ای تکوین یابد که مشروعیت بین‌المللی حکومت منوط به پذیرش مردمی، قانونی بودن یا مشروعیت داخلی آن باشد و به طور سنتی، حقوق بین‌الملل به ندرت به مشروعیت دموکراتیک مهم‌ترین موضوع‌ها یا تابعان خود، یعنی کشورها می‌پردازد و صرفاً خود را به ارتباطات میان کشورها و نه آنچه در درون آنان می‌گذرد، محدود می‌کند. کشورها عمدتاً نمایندگان یک رژیم جدید را به عنوان جانشین قانونی در سفارتخانه‌ها و کمیسیون‌های مشترک می‌پذیرند (توکلی طبسی، ۱۳۹۴: ۲۷۴).

تسون^۱ معتقد است حکومت زمانی از مشروعیت برخوردار خواهد بود که نماینده اصیل و واقعی ملت بوده و به قواعد حقوق بشری احترام بگذارد. از دیدگاه وی، حتی خارجیان مکلف به احترام به یک حکومت نامشروع نیستند و حتی اگر حقوق بین‌الملل از چنین حکومتی حمایت نماید، زمینه سرکوب آن ملت را بدون هراس از جامعه بین‌المللی فراهم خواهد نمود. به اعتقاد وی مشروعیت نداشتن چنین حکومتی ناشی از گسیختگی قرارداد اجتماعی عمودی میان ملت و حکومت بوده و مشروعیت نداشتن دولت نیز ناشی از فروپاشی قرارداد اجتماعی یک دولت است که در نتیجه آن، دولت هویت خود را از دست داده و تجزیه خواهد شد. پس از ذکر این تئوری، تسون بر این اعتقاد است که مداخله در امور حکومت و دولت نامشروع، امری موجه بوده، اما موجه بودن آن منوط به این خواهد بود که دولت مداخله‌کننده خود مشروع و دلیل موجهی برای مداخله داشته باشد (1998: 57).

1. Teson

مشروعیت نداشتن حکومت، می‌تواند زمینه‌ساز مداخله بشردوستانه بین‌المللی تلقی شود. از سوی دیگر رویه کشورها در زمینه بشردوستانه بیانگر آن است که مداخله‌های بشردوستانه در اکثر موارد در کشورهایی صورت می‌گیرد که حکومت آنها از پشتوانه مردمی برخوردار نبوده و از نوع حکومت‌های استبدادی محسوب می‌شوند. مداخله متحدان در عراق به منظور پایان دادن به کشتار کردها و شیعیان، نمونه‌ای از اینگونه مداخله‌ها است (توکلی طبسی، ۱۳۹۴: ۲۸۷). در مجموع به نظر می‌رسد که اگرچه مشروعیت یک حکومت می‌تواند از لحاظ سیاسی زمینه و بستر لازم را برای مداخله بشردوستانه فراهم کند، اما به خودی خود و بدون نقض گسترده و فاحش حقوق بشر نمی‌تواند توجیه‌کننده مداخله بشردوستانه باشد (استناد انگلیس به نقض فاحش حقوق بشر در سوریه). در دعوت به مداخله نیز دولتی از حق دعوت به مداخله برخوردار است که «مشروعیت دموکراتیک» داشته باشد.

حال در مقایسه بین مشروعیت حکومت در اسلام و حقوق بین‌الملل، اسلام مرز جغرافیایی نداشته و مرز را بر اساس اعتقادات دینی می‌داند. تفکیک سرزمین‌ها بر اساس اسلام و کفر است و حدود جغرافیایی دولت اسلامی و مرزهای آن با مرزهای مادی قابل تفکیک نبوده و تفکیک مرزهای حاکمیت اسلامی با سایر حاکمیت‌ها صرفاً بر اساس اعتقادات است و معتقد به ایجاد حکومت واحد جهانی هستند. این ایده با وجود گستردگی کشورها و پراکندگی جمعیت مسلمان در سراسر جهان با مشکل مواجه می‌شود؛ زیرا مرزهای جغرافیایی کنونی بر اساس حقوق بین‌الملل طراحی شده است و هر کشوری بر افراد زیر سلطه خود حکمرانی می‌کند و کشورها از دخالت در آن سوی مرزها و کشورهای دیگر ممنوع هستند. اما در حقوق بین‌الملل برای مشروعیت دولت چهار عنصر، سرزمین معین، جمعیت، حکومت و استقلال برای تشکیل دولت لازم است. این عناصر که «عناصر سستی تشکیل دولت» شناخته می‌شوند و بیشتر مبتنی بر اصل مؤثر بودن هستند، به مثابه حقوق بین‌الملل عرفی مورد قبول جامعه بین‌المللی قرار گرفته‌اند و در موقعیت‌های متعدد مورد استناد دولت‌ها و ارکان سازمان‌های بین‌المللی واقع شده‌اند. اما بررسی سوابق تاریخی و عملکرد دولت‌ها به ویژه در چند دهه اخیر، ما را به سمت عناصر نوپدید رهنمون می‌کند که بیشتر مبتنی بر نظریه مشروعیت است، گویا این حوزه از

حقوق بین‌الملل دچار تحولات چشمگیری شده است. به عبارت دیگر امروزه صرف اجرای کارکردهای حکومتی بدون برخورداری از مشروعیت به دلیل نقض قواعدی نظیر ممنوعیت توسل به زور یا حق تعیین سرنوشت را در زمره دولت‌ها قرار نمی‌دهد (داعش و منصور هادی). البته در رویه دولت‌ها و دکترین معاصر، اتفاق نظر وجود ندارد. در میان نظریه‌های مختلفی که بیان شده، این عناصر نوپدید را شامل مواردی همچون حق تعیین سرنوشت، توانایی و قصد اجرای حقوق بین‌الملل، استمرار موجودیت شکل گرفته، شناسایی، رعایت حقوق بشر و دموکراسی و مانند آن دانسته‌اند.

پس، به نظر می‌رسد که ایده جهان‌شمولی، دارالاسلام، دارالکفر و امت واحده و قائل به مرز نبودن اسلام در حقوق بین‌الملل معاصر جایگاه چندانی نداشته و هر کشور طبق مقررات حقوق بین‌الملل اقدام خواهد کرد.

چهارچوب نظری

هدف اصلی این پژوهش، جلوگیری از نفوذ و سلطه غیرمسلمانان بر کشورهای اسلامی و قاعده نفی سبیل است. کشورهای بیگانه از هر راه ممکن دست دوستی به کشورهای مسلمان دراز می‌کنند و در نهایت موجب تسلط بر کشورهای مسلمان می‌شوند. از آنجا که در پژوهش پیش‌رو از کتاب‌ها، مقاله‌ها، اسناد و رویه‌های قضایی گوناگون استفاده شده است؛ و از طرفی مقایسه مداخله از طریق دعوت در اسلام و غرب است، روش تحلیلی-تطبیقی انتخاب شده است. در روش تحلیلی از طریق تحلیل محتوای کیفی به بررسی رضایت به مداخله در اسلام، شرایط کمک نظامی، مشروعیت کمک نظامی در اسلام و محتوای موجود در رویه شیعیان با محوریت کمک نظامی در بین ادیان و مذاهب و قبایل به تجزیه و تحلیل (درخواست کمک نظامی مسلمانان از کفار، مشرکان، اهل ذمه و...) می‌پردازیم. سپس به بررسی مداخله نظامی در غرب و جایگاه حاکمیت‌ها در دعوت به مداخله نظامی و مصادیق آن در دو دهه اخیر پرداخته و به صورت تطبیقی بر اساس معیارهای مشروعیت، اعتبار و جواز کمک نظامی، آن را با نظر اسلام (شیعه) بررسی می‌کنیم. اهمیت و ضرورت تحقیق، استقلال کشورهای مسلمان از غرب و شرق است.

۱. رضایت به مداخله در اسلام

در ابتدا اسلام مقید به مرکزگشی سرزمینی بود و تعدد دولت در جهان اسلام را نمی‌پذیرفت؛ زیرا بر محور امام یا خلیفه استوار بودند و نه جغرافیای معین. شیعه با بازسازی دولت شیعی بر پایه شورا و ملیت، به تدریج مفهوم مرز و جغرافیا را بر مبنای قدرت سیاسی در مقوله تعدد دولت‌ها و حکومت‌ها پذیرا شد. براین اساس بعضی نویسندگان، دین اسلام را یک دین مرز شکن می‌دانند و می‌گویند دولت اسلامی نباید در چارچوب قوانین بین‌المللی، اهداف جهان‌شمول خود را فراموش کند. دولت اسلامی اگر براساس ضرورت به کنوانسیون می‌پیوندد یا مرزهای جغرافیایی و حاکمیت‌های جور را به رسمیت می‌شناسد، موقتی و مصلتی است و در اولین فرصت باید در راستای آمال اسلامی، جهانی گام بردارد (ابوالوفا، ۲۰۰۱: ۲۵). در فقه اسلامی بحث رضایت در مداخله را می‌توان در عنوان «استعانت از غیرمسلمان» جستجو کرد. اگر استعانت از غیرمسلمان با درخواست و موافقت دولت اسلامی انجام گیرد در آن صورت مترادف «مشروعیت رضایت به مداخله» است که شرایطی دارد (حارب‌المهیری، ۱۹۹۵: ۲۳۲).

۲. شرایط رضایت به مداخله در اسلام

در اسلام منظور از رضایت به مداخله، دعوت از دولت غیراسلامی است. در هر شرایطی دولت اسلامی نباید از دولت غیراسلامی دعوت به مداخله در امور مسلمانان کند، زیرا عیب‌های آن بیشتر از منفعت آن خواهد بود.

الف) حالت ضرورت: اگر دولت اسلامی ناچار شود، می‌تواند از دولت غیراسلامی کمک بگیرد. ابن حزم این سخن پیامبر را که «انا لانستعین بالمشرکین» (ما از مشرکان کمک نمی‌گیریم)، عام دانسته و شامل هر وضعیتی اعم از ولایت، جنگ یا هر مورد دیگر دانسته است (الحلی، ۱۴۱۹ق: ۵۰)، اما اگر مسلمانان در شرایطی قرار گیرند که چاره‌ای جز توسل به غیرمسلمانان برای کمک نداشته باشند و به همراهی آنان یقین داشته باشند که به مسلمانان و دیمان زیان نمی‌رسانند از روی اضطرار کمک گرفتن از آنان را جایز دانسته است (ابوالوفا، ۲۰۰۱: ۳۰). اشغال کویت توسط عراق در سال ۱۹۹۰م. و ناکامی دولت‌های اسلامی و عربی در خروج عراق نمونه‌ای از حالت اضطرار است (میرمحمدی، ۱۳۹۷: ۲۹۷).

ب) غلبه و سیطره قدرت اسلامی: قدرت دولت اسلامی در شرایط استعانت از دولتی که از آن کمک می‌گیرد بیشتر باشد. یا پس از انجام عملیات مداخله و پایان آن، دولت اسلامی قادر باشد سلطه خود را بر کلیه اتباع خود اعمال کند. استفاده از یاری غیرمسلمانان در جهاد، به شرط غالب بودن حاکمیت اسلامی در فتوای صادره از دارالافتاء مصر و در نزد فقیهانی چون جصاص و سرخسی تصریح شده است، زیرا پیامبر ﷺ خود در غزوه‌ها، از یهود و مشرکان کمک گرفته است. و اینکه فرمود من از مشرکان کمک نمی‌گیرم، احتمالاً به دلیل اطمینان نداشتن و ظن جاسوسی برخی افراد متقاضی بوده است (عبدالرزاق، ۲۰۰۲: ۵۵۹).

پ) منفعت دولت اسلامی: مبنای یاری گرفتن از غیرمسلمانان منفعت دولت است اگر هیچ نفعی در این استعانت نباشد یا وضعیت برابر باشد، یاری گرفتن وجاهت شرعی ندارد (ابوالوفا، ۲۰۰۱: ۳۴).

سخن علامه حلی از فقیهان شیعه به بیانی دیگر شرایط سه‌گانه را پوشش می‌دهد: «در صورت کمی لشکر مسلمانان، می‌توان از ذمیان و مشرکانی که اطمینان وجود دارد آشوب نمی‌کنند، یاری گرفت، چرا که پیامبر ﷺ صفوان بن امیه را پیش از اسلام آوردن در جنگ علیه هوازن به یاری گرفت و از یهود بنی قینقاع کمک خواست و به آنان سهمی از غنایم جنگ داد. اما اگر به آنان اطمینان نیست یا لشکر مسلمانان کافی است از آنان کمک نمی‌گیرند» (۱۴۱۹ق: ۵۰).

وی در جای دیگر می‌گوید: «جایز است امام در جهاد از مشرکان کمک گیرد، زیرا پیامبر ﷺ از یهود در جنگ خود کمک گرفت. البته مستعان به باید به مسلمانان حسن نظر داشته باشد و مسلمانان از زیان وی ایمن باشند» (همان، ۲۳۲).

ابوعبیده نیز در زمان روبه‌رو شدن سپاه اسلام با سپاه هراکلیوس (قیصر دوم)، در نامه‌ای، از خلیفه کسب تکلیف و تقاضای نیروی امداد کرد. خلیفه دوم میان بزرگان صحابه به مشورت نشست و از علی رضی الله عنه در این باره نظر خواست حضرت به خلیفه فرمودند: «به ابوعبیده اعلان کن مقاومت کند و از نیروی یهودیان بنی بکر کمک گرفتند» (واقدی، ۱۴۰۴ق: ۱۰۸).

بنابراین رضایت به مداخله در اسلام در هر زمان و مکانی قابل پذیرش نبوده و فقط در شرایط خاص زمانی و مکانی با رعایت مصلحت اسلام قابل پذیرش است.

۳. مشروعیت دعوت به مداخله در اسلام

حکومت پیامبر ﷺ در مدینه نه یک دولت، بلکه یک دولت - شهر یا یک کشور - شهر با ویژگی‌های خاص خود بود. هرچند وجود دو معیار قدرت عالی و مقررات مشترک که افراد گروه‌ها به آن پایبند باشند در تحقق یک کشور کافی است، اما دولت به مفهومی گسترده پس از وفات آن حضرت و گسترش فتوحات اسلامی شکل گرفت و در عصر امویان به امپراتوری تبدیل شد (فیرحی، ۱۳۹۰: ۱۰۹). در زمان پیامبر کشور به مفهوم واقعی وجود نداشت؛ در این مقاله منظور از کمک نظامی، کمک گرفتن از قبایل و مذاهب (مشرکان، قریش، یهود، مسیحیان، ذمیان، حریبان و...) دیگر مدد نظر است.

۳-۱. یاری گرفتن از غیرمسلمان علیه مسلمان

عده‌ای معتقدند که یاری گرفتن از غیرمسلمانان، به نوعی تسلط کفار بر مسلمانان است و مسلط کردن غیرمسلمانان بر مسلمانان حرام است. در تاریخ آمده است که مسلمانان اندلس، به علت اینکه از بعضی مسیحیان طلب یاری کرده بودند تا بر بعضی مسلمانان غلبه کنند منجر شد که مسیحیان بر مسلمانان تسلط پیدا کرده و در نهایت از سرزمین‌های خودشان بیرون رانده شوند. زیرا مسلمانان بر آنها اعتماد و اطمینان کردند و کم‌کم با آنان دوستی کرده و آنان را همچون مسلمانان دوست داشتند و در نهایت فریب این کار را خوردند و از سرزمین‌های خود رانده شدند (سعادت‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۳۷). اینکه به غیرمسلمانان اجازه داده شود که وارد سرزمین‌های اسلامی شوند، ممکن است باعث شود تا آنها بر ضعف‌ها و قدرت‌های مسلمانان آگاهی یابند و همچنین کمک گرفتن از طرفی باعث استحکام و تثبیت موقعیت آنها می‌شود و از طرفی موجب کسر شأن و کم‌شدن شوکت و قدرت مسلمانان می‌شود و در نهایت بر مسلمانان تسلط پیدا کرده و مسلمانان را همچون ماجرای اندلس از سرزمین‌های اسلامی بیرون می‌رانند (همان، ۱۳۸).

اما اگر استعانت از غیرمسلمانان برای جنگ و جهاد، منفعت و مصلحت خاصی برای مسلمانان در برداشته باشد، مانند اینکه اطلاعات مفیدی از توان نیروهای دشمن و نقشه‌های آنها را در اختیار داشته باشند یا توان استفاده از بعضی تجهیزات را داشته باشند یا

توانایی آموزش‌های نظامی و جنگی مفیدی را که مسلمانان به آنها نیازمندند داشته باشند، جایز به نظر می‌رسد.

با وجود این اگر از غیرمسلمانان در جنگ و جهاد کمک گرفته نشود و به نیروی مسلمانان اعتماد و اکتفا شود بهتر است؛ زیرا استعانت از غیرمسلمانان در تاریخ اسلام و زندگی پیامبر اکرم ﷺ یک امر اضطراری بوده است، پس جواز آن هم باید اضطرار باشد. باید توجه داشت که ضرورتی که مجوز یاری گرفتن از غیرمسلمانان را سبب می‌شود بایستی متعلق به دین و مصلحت اسلام و مسلمانان باشد و این ضرورت به دلیل مصلحت و شرایط اضطراری حاکم نباشد و جنبه فردی به خود نگیرد و همچنین منحصر به حفظ منافع و مصالح گروهی خاص نباشد.

معیار تشخیص ضرورت برای یک دولت، خود دولت اسلامی است نه تشخیص دولت‌های دیگر. همچنین اگرچه این ضرورت باعث می‌شود که تکلیفی بر آنان ثابت نشود، ولی باید دانست که رفع تکلیف به دلیل ضرورت است. پس هنگامی که ضرورت برطرف شود تکلیف نیز دوباره ثابت می‌گردد (بعد از نابودی یا کم شدن حملات داعش، کشورهای غربی و شرقی عراق و سوریه را ترک کنند، در صورتی که این کشورها همچنان ادعای مبارزه با عناصر داعش را دارند).

جدول ۲. درخواست کمک از غیرمسلمانان علیه مسلمانان^۱

جواز	علیه	استعانت از	
جایز	اهل بغی	اهل ذمه	امامیه
جایز	اهل بغی	غیرمسلمان	طوسی
ضرورت (جایز)	اهل بغی و کفار حربی	اهل ذمه	صاحب‌جواهر
ضرورت (جایز)	اهل بغی	اهل ذمه	پیامبر <small>ﷺ</small>
جایز	اهل بغی	اهل ذمه	شهیدثانی

(منبع: یافته‌های تحقیق)

^۱. سعادت‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۴۰-۱۴۲.

جدول ۳. درخواست کمک نظامی از غیرمسلمان علیه غیرمسلمان^۱

نوع کمک	به شرط	حکم فقهی	
تسلیحات و نیروی نظامی و جاسوسی	مصلحت و مسلم بودن و کثرت مسلمان	ندادن جواز	پیامبر ﷺ
نیروی نظامی	کمی جمعیت مسلمان و حسن نیت	جایز	امامیه

(منبع: یافته‌های تحقیق)

با توجه به این شرط‌ها می‌توان گفت که مهم‌ترین شروط یاری‌گرفتن از غیرمسلمانان در درگیری‌های نظامی، این است که حکم اسلام ظاهر و غالب باشد و اینکه غیرمسلمانی که از آنها طلب‌یاری و کمک می‌شود مورد اعتماد و اطمینان مسلمانان باشند و در کمک‌گرفتن از آنان مصلحتی برای مسلمانان باشد.

به نظر می‌رسد که یاری‌گرفتن از غیرمسلمانان در درگیری‌های نظامی با توجه به شرط‌ها و ضوابط آن امری بسیار نادر است؛ زیرا امروزه حکم اسلام در جهان ظاهر و غالب نیست و دولت‌های اسلامی نسبت به دولت‌های غیراسلامی ضعیف هستند. از طرفی پیدا کردن افرادی که مسلمانان از دست آنها در امان باشند بسیار سخت است و اگر هم یافت شود با توجه به تلاش و جستجوهای فراوان شاید ممکن گردد تا فردی مورد اطمینان و اعتماد پیدا شود. پس مسلمانان به جای اینکه به فکر یافتن چنین افرادی و تحقق شرط‌های لازم برای یاری‌گرفتن باشند، در تقویت نیروهای خود سعی کنند تا با تکیه بر نیروهای مسلمان به مقابله با دشمن بپردازند یا با آنها سازش و صلح کنند.

۳-۲. یاری‌گرفتن از کفار علیه مشرکان و اهل بغی

در روزگار پیامبر قراردادی بین پیامبر و یهودیان مدینه امضا شد که «یهود و مسلمانان در انتخاب دین آزاد هستند؛ امضاکنندگان این عهدنامه در جنگ یکدیگر را یاری می‌کنند؛ و مظلوم، چه مسلمان و چه یهودی، یاری می‌شود» (ابن هشام، ۱۴۲۲ق، ج ۵: ۳۴). این پیمان، دو مطلب را تأیید می‌کند؛ یکی جواز کمک کردن به یهود در جنگ علیه دشمن آنان

^۱. همان، ۱۱۱.

است که به طریق اولی بر استعانت از یهود در جنگ علیه دشمن مسلمانان دلالت دارد و دیگر اینکه، این پیمان گواه روشنی بر مشروعیت همکاری با یهود (کفار) و یاری‌گرفتن از آنان برای نجات مظلوم یهودی یا مسلمان است و در هر دو صورت فرقی ندارد که دشمن یا ظالم، کافر یا مسلمان باشد. بنابراین، یاری‌گرفتن از کافران برای دفع اهل بغی که به مسلمانان ظلم کرده‌اند نیز مشروع خواهد بود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَنْ سَمِعَ رَجُلًا ينادي يا للمسلمين فلم يُجِبْهُ فليس بمُسلم؛ کسی که فریاد دادخواهی فردی (چه مسلمان یا کافر) را بشنود که از مسلمانان کمک می‌خواهد، اما به داد او نرسد مسلمان نیست» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۱۶۴). به موجب این روایت و روایاتی نزدیک به همین مضمون که در منابع روایی شیعه ذکر شده، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر یاری مظلومان تأکید کرده است، حتی اگر آن مظلوم، مشرک باشد. حال اگر کمک کردن به کفاری که ستم دیده‌اند مشروع باشد به طریق اولی کمک خواستن و یاری‌گرفتن از کفار برای یاری مظلومان مسلمان مشروع و بلکه لازم است و فرقی ندارد که ظلم‌کنندگان به مسلمانان، کافر یا اهل بغی باشند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قبل از بعثت با گروهی از جوانان مشرک با هدف یاری مظلومان پیمان بسته بود (پیمان جوانمردان) که پس از اسلام نیز آن را تأیید کرد و فرمود: «لَقَدْ شَهِدْتُ ... حَلْفًا لَوْ دُعِيْتُ بِهِ فِي الْإِسْلَامِ لَأَجَبْتُ؛ قبل از اسلام شاهد پیمانی برای یاری مظلومان بودم که اگر امروز نیز به آن پیمان دعوت شوم اجابت می‌کنم» (ابن هشام، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۲۶۶). این روایت نبوی عام است و مشروع بودن هر پیمان برای یاری مظلوم را تأیید می‌کند. بنابراین، شامل جواز همکاری با کفار و یاری‌گرفتن از آنان برای نجات مسلمان مظلوم از شر مسلمان متجاوز نیز می‌شود.

به نظر می‌رسد که اگر به آنان اجازه داده شود که وارد سرزمین‌های اسلامی گردند ممکن است باعث شود تا آنها بر ضعف‌ها و قدرت‌های مسلمان آگاهی یابند و همچنین کمک گرفتن از آنان از طرفی باعث استحکام و تثبیت موقعیت آنها می‌شود و از طرف دیگر موجب کسر شأن و کم شدن شوکت و قدرت مسلمانان می‌شود و در نهایت آنان بر مسلمانان تسلط پیدا کرده و مسلمانان را همچون ماجرای اندلس از سرزمین‌های اسلامی بیرون می‌رانند.

جدول ۴. یاری گرفتن از کفار علیه مشرکان

نوع کمک	جنگ	کفار	
زره و نیروی انسانی	حنین	صفوان بن امیه	پیامبر ﷺ
تجهیز سپاه	حدیبیه	قبیله خزاعه	پیامبر ﷺ
نیروی نظامی	فتح مکه	تعدادی از افراد قبیله خزاعه	پیامبر ﷺ
پناهندگی	در امان ماندن از مشرکان قریش	مطعم بن عدی	پیامبر ﷺ

(منبع: یافته‌های تحقیق)

۴. مشروعیت دعوت به مداخله حقوق بین‌الملل

برخی معتقدند مبنای مشروعیت مداخله، به نفع دولت مرکزی و مبتنی بر رضایت در جنگ‌های مسلحانه غیربین‌المللی، حقوق عرفی است که بر اساس یک قاعده عرفی کمک به حکومت مشروع و قانونی یک سرزمین متعاقب رضایت این حکومت مجاز است (Lieblich, 2011: 262). از سوی دیگر، برخی برای مشروعیت مداخله، به نفع دولت مرکزی دو شرط را ضروری می‌دانند: نخست آنکه حکومت مرکزی در زمان رضایت و در طول مداخله کشور ثالث ساقط نشده باشد و دوم، آنکه رضایت یا دعوت توسط حکومت مرکزی برای هدفی غیرقانونی، مانند کشتار جمعی، صورت نگرفته باشد (ضیایی و یدائی امناب، ۱۳۹۵: ۱۲۶).

۵. جایگاه حاکمیت در دعوت به مداخله خارجی

در منازعه‌های داخلی، امکان مداخله به دعوت دولت مرکزی وجود دارد، چرا که موضوع به صلاحیت داخلی مربوط است و حقوق بین‌الملل جز در تکلیف به رعایت حقوق بشر محدودیتی در این زمینه وارد نکرده است، ولی در جنگ‌های مسلحانه غیربین‌المللی، امکان مداخله به دعوت دولت مرکزی وجود دارد و به دعوت شورشیان نمی‌توان مداخله کرد. اما بر اساس دیدگاه جدید، جنگ مسلحانه غیربین‌المللی موجب تکلیف به بی‌طرفی برای دولت‌های خارجی می‌شود و مداخله به نفع دولت مرکزی یا شورشی نقض بی‌طرفی تلقی می‌گردد. با این حال، مداخله نظامی به نفع دولت مرکزی، در چهارچوب دفاع مشروع و پیمان امنیت دسته جمعی، در هر حال امکان‌پذیر است (همان، ۱۴۶).

نقطه آغازین دعوت به مداخله، درخواست مداخله از سوی دولت حاکم است. دولتی که با این اقدام، رضایت خویش را نسبت به مداخلاتی که از سوی ثالث انجام خواهد شد

اعلام می‌نماید. بنابراین عنصر اساسی، در خصوص مفهوم دعوت به مداخله، رضایت دولت حاکم است؛ اگر دولت‌های خارجی بدون رضایت دولت حاکم یا مداخله‌ای که نامشروع است بخواهند در امور داخلی کشوری دخالت کنند، اقدامشان تجاوز سرزمینی محسوب می‌شود (Cassese, 2014: 370).

اعلام رضایت باید کاملاً آزادانه و بدون هر شکلی از اجبار یا اکراه و واقعی و آشکار باشد. اما در خصوص مقام دعوت‌کننده باید توجه کرد اعلام رضایت نسبت به مداخله خارجی باید توسط دولت قانونی و منتخب مردم انجام شود؛ دولتی که از طریق سازوکارهای دموکراتیک بر سرکار آمده و کنترل قدرت را همچنان در دست داشته باشد. در خصوص اتفاق‌های اخیر در منطقه و جهان، این پرسش مطرح می‌شود که آیا رئیس‌جمهور یمن، اوکراین، عراق و سوریه، از حق دعوت به مداخله برخوردار است یا خیر؟

۶. مصداق‌های مداخله نظامی از طریق دعوت

۶-۱. عراق

در سال ۲۰۱۴ م. گروه تروریستی داعش، با پیشروی سریع، بخش وسیعی از قلمرو عراق را تصرف کرد و در تابستان ۲۰۱۴ م. شهر موصل عراق را اشغال و مرکز دولت خود اعلام کرد. ارتکاب جنایت گسترده نسبت به جمعیت غیرنظامی، رشد سریع در عراق و سوریه و اهداف توسعه طلبانه اعلام شده داعش، تهدید امنیتی در آینده‌ای نزدیک بر کل منطقه و حتی جهان را اثبات کرد. تشکیل ائتلاف بین‌المللی ضد داعش به رهبری ایالات متحده و همراهی برخی از کشورهای عربی و اروپایی و برخی سازمان‌ها از جمله اتحادیه اروپا و ناتو، در واکنش به اقدامات تروریستی گروه‌های مزبور بوده است (رمضانی و پیری، ۱۳۹۷: ۲۱۷). عراق در چارجوب حقوق بشردوستانه بین‌المللی معاصر، از ایران، انگلستان، ایالات متحده و تعدادی دیگر از متحدان غربی خود، کمک و حمایت نظامی درخواست کرد. در واقع، در اعلامیه بسیاری از دولت‌های مداخله‌کننده در ائتلاف، به صراحت به جواز مداخله و درخواست کمک اشاره شده است. در ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۴ م. مجلس عوام بریتانیا مجوز مداخله بشردوستانه در قلمرو عراق را صادر کرد (رمضانی و پیری، ۱۳۹۷: ۲۲۲).

طبق قانون اساسی آمریکا، قبل از شروع جنگ تأیید کنگره لازم است. او با ما در ابتدا از کنگره جواز مداخله نظامی در عراق و سوریه را درخواست نکرد. او به مجوز مقابله نظامی با تروریسم در سال ۲۰۰۱ م. و جواز توسل به زور علیه عراق ۲۰۰۲ م. اشاره می‌کند که همه شکل‌های اقدام ضروری و مناسب را علیه تروریست مقرر می‌دارد. در خصوص این استدلال و توجیه‌ها، نکته قابل ذکر این است که جواز مداخله و توسل به زور در چهارچوب حقوق داخلی یک دولت برای حمله هوایی علیه اهداف داعش، به داعش مرتبط نیست، چرا که حملات ۱۱ سپتامبر توسط داعش صورت نگرفته بود، هرچند که تا حدی این مجوزها برای حمله هوایی علیه القاعده محتمل به نظر می‌رسد، اما استناد به جواز کنگره در سال ۲۰۰۱ م. و ۲۰۰۲ م. در هر صورت علیه داعش بعید به نظر می‌رسد (رمضانی و پیری، ۱۳۹۷: ۲۲۳).

در خصوص مداخله نیروهای ائتلاف به درخواست حکومت عراق می‌توان به اظهارات هوشیار زیباری وزیر خارجه عراق، در نشست سازمان همکاری اسلامی در جدّه (۱۲ اوت ۲۰۱۴ م.) اشاره کرد: «عراق به طور رسمی از آمریکا برای انجام حملات هوایی به مراکز داعش درخواست کمک کرده است» (رمضانی و پیری، ۱۳۹۷: ۲۲۳). در نتیجه، از منظر حقوقی، بمباران عراق، مطابق با حقوق بین‌الملل است، زیرا همان‌گونه که بیان شد، گروه ائتلاف بر مبنای درخواست حکومت عراق که توانایی متوقف کردن پیشروی پیکارجویان داعش به سمت بغداد را نداشت، صورت گرفته است (رمضانی و پیری، ۱۳۹۷: ۲۲۳).

اقدام دولت ایران نیز در پاسخ به درخواست دولت عراق جهت مقابله با تروریسم بر اساس قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت صورت گرفته که بر اساس آن تروریسم، تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی است و در موارد تهدید با نقض صلح و امنیت بین‌المللی، دولت‌ها می‌توانند با استفاده از حق ذاتی دفاع مشروع فردی و جمعی یاد شده در ماده ۵۱ منشور، در مقابله با حملات تروریستی از خود دفاع کنند. اقدام ایران در مبارزه با تروریسم به صورت ارائه مشاوره‌های نظامی، همچنین اعزام نیرو و انجام عملیات نظامی در عراق با هماهنگی دولت عراق است.

جدول ۵. درخواست مداخله نظامی عراق

عنوان	کشور	نوع کمک	مجوز	رضایت	شکل مداخله
کشورهای غیراسلامی	آمریکا	کمک نظامی و بشردوستانه	بدون جواز	معتبر	قانونی
	انگلیس	کمک نظامی و بشردوستانه	بدون جواز	معتبر	قانونی
	فرانسه	کمک نظامی و بشردوستانه	بدون جواز	معتبر	قانونی
کشورهای اسلامی	ایران	مستشاری و انجام عملیات نظامی	جواز	معتبر	قانونی
	ترکیه	کمک نظامی و بشردوستانه	جواز	معتبر	قانونی

(منبع: یافته‌های تحقیق)

از دیدگاه حقوق بین‌الملل، مداخله کشورهای ذکر شده با رعایت قانون اساسی عراق و مقررات بین‌المللی مبارزه با تروریسم معتبر و قانونی است. اما از نظر اسلام، عراق به عنوان کشور مسلمان نباید از قدرت‌های غربی دعوت کند و جایز نیست. زیرا دعوت از کشورهای غربی پیامدهای سیاسی، نظامی، اجتماعی و... دارد که عراق هم اکنون با آن روبه‌رو است؛ زیرا پس از چند سال از مداخله نظامی آمریکا و نابودی داعش و درخواست دولت و ملت عراق از آمریکا برای خروج، آمریکا هنوز از آن کشور خارج نشده است و جنگ را به صورت فرسایشی در عراق کنترل می‌کند و تمام زیرساخت‌های عراق را از بین برده است. از طرفی، آمریکا به عنوان کشور غیرمسلمان هیچ‌گونه کوتاهی در کشتن داعش و نیروهای عراقی نخواهد کرد. اما دعوت از ایران و ترکیه (به عنوان کشور مسلمان) و جاهت شرعی، قانونی و معتبر دارد و کاملاً با معیارهای حقوقی و اسلامی منطبق است.

۶-۲. یمن

بر اساس اصول ۳۷ و ۳۸ قانون اساسی یمن، شرایطی که امکان دخالت کشوری دیگر را برای تثبیت اوضاع داخلی یمن فراهم می‌کند، به گونه‌ای در نظر گرفته شده که با وضع جاری مطابقت نمی‌کند. در این قانون، دوره برای مشروعیت بخشیدن به استفاده از نیروهای نظامی سایر دولت‌ها در تثبیت امور داخلی یمن وجود دارد: نخست، تصویب مجلس (اصل ۳۷) و دیگری تصویب شورای دفاع ملی به ریاست رئیس‌جمهور (اصل ۳۸). در این زمینه اصل ۳۷ قانون اساسی یمن مقرر می‌کند: «پس از تصویب مجلس شورا، اعلام بسیج نیروها با

رئیس‌جمهور است» (اصل ۳۷، قانون اساسی یمن: ۱۳۸۲). اگرچه طبق اصل ۱۱۱ قانون اساسی این کشور، رئیس‌جمهور، عالی‌ترین مقام قوای مسلح است؛ اما وی نمی‌تواند به طور مستقل و بدون کسب رأی موافق مجلس شورا در خصوص بسیج نیروها یا مداخله سایر دولت‌ها در امور داخلی، از جمله مداخله نظامی تصمیم‌گیری کند. در حالی که یمن در آن تاریخ رئیس‌جمهور قانونی نداشت و منصور هادی نزدیک به دو ماه قبل از حمله عربستان، استعفا کرد. همچنین بر اساس اصل ۳۸ قانون اساسی، نهاد عالی شورای دفاع ملی تا پیش از تجاوز سعودی‌ها به یمن در این خصوص تشکیل نشده و تصمیمی در این خصوص نگرفته است (فضائلی، ۱۳۹۵: ۴۶). عربستان مبنای حقوقی اقدام نظامی خود علیه یمن را دفاع مشروع می‌داند. هر وقت دولتی مورد تجاوز نظامی بالفعل یا نزدیک به وقوع قرار گیرد می‌تواند جهت دفع تجاوز به اقدام نظامی متوسل شود. اما باید توجه داشت که نسبت دادن تهاجم به یک دولت، دولت بودن طرف هجوم، انجام واکنش از سوی دولت مورد هجوم یا دولت‌های دیگری که مخاطب استمداد دولت مورد هجوم بوده‌اند، ضرورت و تناسب در دفاع، رعایت موازین حقوق بین‌الملل بشردوستانه، الزام گزارش‌دهی مدافع به شورای امنیت شرایط شکلی و ماهوی ایجاد حق ذاتی دفاع مشروع فردی و جمعی محسوب می‌شود که این موارد در عملیات و بمباران‌های نیروهای ائتلاف عربی صورت نگرفته است. بنابراین، حضور و تجاوز ائتلاف کشورهای عربی به یمن ضمن نقض آشکار قانون اساسی یمن، ناقض قواعد حقوق بین‌الملل بوده و نمی‌تواند توسل به زور، مداخله در امور داخلی کشور دیگر، نقض تمامیت ارضی یمن را که هر سه از اصول به رسمیت شناخته شده در منشور ملل متحد هستند موجه نماید.

در این خصوص باید یادآور شد که توجیه عربستان، مبنی بر درخواست منصور هادی برای تثبیت وضعیت داخلی یمن به هیچ عنوان موجه نیست؛ زیرا وی قبل از تاریخ تجاوز سعودی‌ها به یمن استعفا کرده است و نمی‌توان با استناد به چنین درخواستی تجاوز را مشروع جلوه داد. عربستان، فقط در صورتی می‌توانست به این توجیه متمسک شود که اولاً: وی هنوز در سمت ریاست جمهوری یمن باقی بود و ثانیاً: عربستان پیش از تجاوز، گزارش وضعیت را به شورای امنیت ارائه و مجوز لازم را دریافت می‌کرد. منصور هادی نه به عنوان رئیس‌جمهور مشروع بلکه به عنوان کسی که مسئول مرحله انتقال قدرت بود در یمن

مشروعیت داشت و نمی‌تواند به عنوان رئیس‌جمهور قانونی از دولت عربستان تقاضای مداخله کند. این امر از قطعنامه ۲۲۰۴ شورای امنیت نیز استنباط می‌شود که از وی به عنوان رئیس‌جمهور قانونی نام نبرده است. پس به نظر می‌رسد هم دعوت به مداخله و هم مداخله نظامی عربستان نامعتبر، نامشروع و غیرقانونی است، زیرا حملات عربستان و ائتلاف عربی در قالب هیچ یک از استثناهای بند ۴ ماده منشور ملل متحد، یعنی مواد ۴۲ و ۵۱ قرار نگرفته و از طرفی اعتبار رضایت و قانونی بودن دعوت دولت یمن نیز احراز نشده است. به این ترتیب، حملات مزبور تجاوز به یمن تلقی می‌شوند.

جدول ۶. مداخله نظامی عربستان و ائتلاف عربی در یمن^۱

کشور	نوع مداخله	جواز	رضایت	شکل
عربستان و ائتلاف عربی	دعوت به مداخله و دفاع مشروع جمعی	نامعتبر (ناقص حق تعیین سرنوشت)	نامشروع	غیرقانونی

(منبع: یافته‌های تحقیق)

۳-۶. اوکراین

در سوم اسفند ۱۳۹۲ بعد از اعتراض‌های گسترده، وضعیت داخلی اوکراین دچار بحران عمیق شد. طوری که معترضان، کاخ ریاست جمهوری را اشغال کردند و «ویکتور یانوکوویچ» رئیس‌جمهور طرفدار روسیه فرار کرد. پس از این بحران، روسیه به بهانه محافظت از روس تباران شبه جزیره خودمختار کریمه، این منطقه را اشغال کرد. مداخله نظامی روسیه در اوکراین پس از انقلاب مردم اوکراین در سال ۲۰۱۴ م. و برکناری رئیس‌جمهور، یانوکوویچ، رخ داد. این مداخله در کریمه در جنوب شرقی اوکراین واقع در دریای سیاه و سپس در مناطق شرقی اوکراین اتفاق افتاد (عبدالی و نیاکوئی، ۱۳۹۸: ۷۰۲). اقدام روسیه در تصرف کریمه و کمک به رئیس‌جمهور، یانوکوویچ موجب شد که بلافاصله بسیاری از کشورها و مجمع عمومی سازمان ملل، این واقعه را اشغال نظامی کریمه توسط روسیه نامیده و محکوم کنند. اما شورای امنیت به دلیل وتوی روسیه، موفق به گرفتن تصمیم

۱. ر.ک. فضائلی، مصطفی، «مداخله نظامی در یمن از منظر حقوق بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات حقوق

نشد. چندی بعد مجمع عمومی سازمان ملل با تصویب قطعنامه‌ای بر یکپارچگی سرزمین اوکراین تأکید و اعلام کرد که همه‌پرسی برگزار شده به منظور پیوست شبه جزیره کریمه به روسیه غیرقانونی است. در این خصوص ۱۰۰ کشور به این قطعنامه رأی مثبت دادند و ۱۱ کشور نیز با آن مخالفت کردند و ۵۸ کشور نیز در این رأی‌گیری غایب بودند. با توجه به مطالبی که گفته شد، در زمان دعوت به مداخله، یانوکوویچ هیچ سمتی در اوکراین نداشته و عزل شده، پس رئیس‌جمهور اوکراین نیست؛ از طرفی صلاحیت دعوت به مداخله را ندارد و روسیه نیز با توجه به معزول بودن یانوکوویچ نباید در اوکراین مداخله کند. پس می‌توان گفت دعوت به مداخله، بدون مجوز اوکراین انجام شده و رضایت پارلمان اوکراین را ندارد و غیرقانونی و نامشروع تلقی می‌شود.

جدول ۷. مداخله نظامی روسیه در اوکراین

کشور	جواز	رضایت	شکل
روسیه	بدون جواز	نامشروع	غیرقانونی

(منبع: یافته‌های تحقیق)

۶-۴. سوریه

پس از درگیری‌های مسلحانه و خشونت‌بار در برخی کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، اعتراض‌های گسترده‌ای از ماه مارس ۲۰۱۱م. در شهرهای مختلف سوریه شکل گرفت و درگیری میان ارتش سوریه و مخالفان، ناامنی، بی‌ثباتی و گسترش بحران را فراهم کرد. عوامل داخلی متعددی در شکل‌گیری اعتراض‌ها و تبدیل آن به بحران در سوریه نقش داشتند که اقتصاد ضعیف و تأثیر منفی بحران اقتصادی بین‌المللی بر بخش‌های مختلف زندگی مردم، کاهش سطح رفاه، فساد مالی و اداری گسترده، معضلات قانونی و قانون‌گذاری و مدیریت نادرست اعتراضات اولیه و تبدیل آن به بحران گسترده از آن جمله‌اند (Arimatsa, 2014: 7).

اما اعتراض‌های آرام داخلی معترضان، علیه دولت با ورود گروه‌های تروریستی، به سرعت به خشونت‌های گسترده و درگیری‌های مسلحانه تبدیل شد. شورای امنیت هم‌زمان با اوج‌گیری درگیری‌ها بیانیه‌ای را در ۳ اوت ۲۰۱۱م. صادر کرد و ضمن ابراز نگرانی جدی از

این وضعیت و محکومیت نقض گسترده حقوق بشر، خواستار خاتمه خشونت‌ها توسط هر دو طرف دعوا و احترام مقامات دولت سوریه به حقوق بشر و رعایت تعهداتشان مطابق قواعد حقوق بین‌الملل شد (S/PRST/2011/16, August 2011).

در این بین کشورهای غربی هر یک به نوعی مدعی مداخله نظامی (دفاع مشروع، حقوق بشردوستانه و مبارزه با تروریسم) در سوریه بودند. اکنون با توجه به تروریستی بودن مسئله سوریه و مشروعیت دعوت بشار اسد، به بررسی این نوع مداخله می‌پردازیم. (لازم به یادآوری است که در سپتامبر ۲۰۱۵م. حکومت اسد طی نامه‌ای به شورای امنیت، به صراحت از مداخله نظامی به رهبری آمریکا اعتراض کرد. ولی بعد طی نامه‌ای از دولت‌ها خواست که مداخله کنند).

از نظر دیوان بین‌المللی دادگستری، حمله مسلحانه باید توسط دولت یا از طرف دولت صورت گرفته باشد تا حق دفاع مشروع ایجاد شود (Zemanek, 2013). در ماجرای برخی فعالیت‌های نظامی در سرزمین کنگو، دیوان به این نتیجه رسید که هیچ‌گونه دلیل مستقیم یا غیرمستقیم محکمی گواه بر دخالت جمهوری دموکراتیک کنگو در حملات فرامرزی شورشیان مستقر در کنگو علیه اوگاندا وجود ندارد؛ از این رو اوگاندا نمی‌تواند به عنوان دفاع مشروع، علیه کنگو به استفاده از نیروی نظامی متوسل شود (مبینی و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۱۸). به هر حال، دیوان به صراحت به این موضوع که آیا حمله‌های مسلحانه توسط بازیگران غیردولتی بدون دخالت دولت سبب ایجاد حق دفاع مشروع می‌شود یا خیر، نپرداخت. در قضیه نیکاراگوئه نیز دیوان اظهار داشت: «حمله شورشیان در صورتی به منزله حمله به یکی از مؤلفه‌های لازم برای استقرار حق دفاع مشروع تلقی می‌شود که شورشیان از طرف دولت اقدام کرده باشند» (همان، ۳۱۸).

از طرفی کمیسیون حقوق بین‌الملل مقرر داشت که رضایت باید «مطابق با حقوق بین‌الملل و قابل انتساب به دولت» موضوع مداخله باشد. در حقوق بین‌الملل این نکته پذیرفته شده است که دعوت نیروهای اپوزیسیون یا محلی، صرف نظر از مشروعیت سیاسی آنها، نمی‌تواند مبنایی برای تعهد قانونی بودن دعوت تلقی شود، چرا که این مقامات از نظر حقوق بین‌الملل نمی‌توانند تعهد بین‌المللی برای دولت ایجاد کنند (Wippman, 1996:)

440). همین نکته در مورد مقامات نظامی نیز صدق می‌کند؛ دعوت یک مقام عالی‌رتبه نظامی را نیز نمی‌توان به مثابه یک دعوت مشروع تلقی کرد. تنها حکومت رسمی یک کشور که مورد شناسایی بین‌المللی قرار گرفته است، می‌تواند برای مداخله نظامی از یک دولت خارجی در سرزمینش دعوت کند (Corten, 2014: 34). از طرف دیگر، جایگاه قانونی حکومت سوریه برای رضایت دادن به مداخله نظامی دولت‌های غربی و عربی در سطوح مختلف دیپلماتیک، با نمایندگان حکومت مرکزی دمشق به عنوان نمایندگان سوریه تعامل می‌کنند. در سازمان ملل نیز، هیأت نمایندگی دمشق به وظایف سیاسی خود عمل می‌کنند. مقامات روسیه نیز مداخله خود را به عنوان «مبارزه با داعش و دیگر گروه‌های تروریستی» توجیه کرده‌اند. در واقع، مسکو به طور قاطع منکر مداخله در جنگ داخلی در سوریه است و ادعا می‌کند که تنها بر اساس قطعنامه‌های شورای امنیت با تروریسم مبارزه می‌کند.^۱ پس می‌توان گفت که از لحاظ دعوت، کمک نظامی روسیه مشروع و قانونی است. انگلیس مبنای حقوقی اقدام نظامی خود علیه سوریه را دفاع مشروع می‌داند. هر وقت یک دولت در معرض تجاوز نظامی بالفعل یا نزدیک به وقوع، قرار گیرد می‌تواند جهت دفع تجاوز به اقدام نظامی روی آورد. اما قانونی بودن مداخله نظامی انگلیس در سوریه در حاله‌ای از ابهام است زیرا، ۱. دولت انگلیس مستقیماً مورد حمله گروه تروریستی قرار نگرفته است ۲. گروه تروریستی داعش به عنوان دولت محسوب نمی‌شود، ۳. از طرف دولت انگلیس هیچ گزارشی مبنی بر مداخله نظامی در سوریه به شورای امنیت تسلیم نشده است، و ۴. با بررسی قطعنامه‌های شورای امنیت می‌توان اظهار داشت که این شورا مجوزی برای حمله هوایی و مداخله در قلمرو سوریه علیه داعش صادر نکرده است. پس می‌توان نتیجه گرفت، از نظر حقوق بین‌الملل مداخله کشورها به جز روسیه و ایران، نامشروع، غیرقانونی و تجاوز به سوریه محسوب می‌شود.

^۱. شورای امنیت در قطعنامه ۲۲۴۹ خود به صراحت از همه دولت‌ها خواسته است تا تمام اقدامات لازم را مطابق حقوق بین‌الملل به ویژه منشور ملل متحد و... در سرزمین‌های تحت کنترل دولت اسلامی عراق و شام برای پیشگیری و پایان دادن به اقدامات تروریستی ارتكابی به ویژه اعمال ارتكابی توسط داعش، جبهه النصره و دیگر افراد، گروه‌ها، تجمع‌ها و نهادهای وابسته به القاعده انجام دهند.

جدول ۸. مداخله نظامی در سوریه

نوع کشور	کشور	نوع مداخله	جواز مداخله	رضایت	شکل مداخله
کشورهای غیراسلامی	آمریکا	دفاع مشروع	بدون جواز	نامعتبر	غیرقانونی
	انگلیس	کمک بشردوستانه	بدون جواز	نامعتبر	غیرقانونی
	روسیه	مبارزه با تروریسم	بدون جواز	معتبر	قانونی
کشورهای اسلامی	فرانسه	دفاع مشروع	بدون جواز	نامعتبر	غیرقانونی
	ایران	مبارزه با تروریسم	جایز	معتبر	قانونی
	ترکیه	مبارزه با تروریسم	جایز	نامعتبر	غیرقانونی

(منبع: یافته‌های تحقیق)

کشور روسیه با دعوت رسمی بشار اسد و با هدف مبارزه با تروریسم و با هماهنگی شورای امنیت اقدام به مداخله نظامی علیه داعش کرده است؛ پس قانونی و معتبر است. اما از لحاظ اینکه سوریه کشوری مسلمان و روسیه غیرمسلمان است؛ با وجود کشورهای قدرتمند منطقه‌ای، دعوت از روسیه جایز نیست. ایران نیز به عنوان کشور مسلمان و با دعوت بشار اسد و هماهنگی شورای امنیت با عنوان مبارزه با تروریسم مداخله کرده پس جایز، معتبر و قانونی است. از طرفی ترکیه به عنوان کشور مسلمان، اما بدون دعوت و بدون هماهنگی شورای امنیت مداخله نظامی کرده است، پس هرچند جایز به نظر می‌رسد (کشور مسلمان)، اما غیرقانونی و نامعتبر است. ولی مداخله کشورهای غربی، غیرقانونی و نامعتبر و در صورت دعوت هم به عنوان کشور غیرمسلمان جایز نیست.

اکنون در مقایسه رضایت به دعوت در اسلام و حقوق بین‌الملل می‌توان گفت:

۱. در اسلام در موارد نادی مانند ضرورت و با توجه به دین کشورها درخواست کمک می‌شود، اما در حقوق بین‌الملل فقط قدرت کشور مداخله‌کننده مدنظر است.
۲. در اسلام با توجه به قاعده نفی سیل، قدرت دولت اسلامی باید از دولت دعوت‌شونده به مداخله، بیشتر باشد و غلبه و سیطره با اسلام باشد. در حالی که در کشورهای دیگر در مداخله چنین نیست به طوری که در اکثر کشورها مداخله‌ها با کشورهای قدرتمند مانند آمریکا، انگلیس، فرانسه و... که قدرت بیشتری دارند صورت گرفته است.

۳. در اسلام در دعوت به مداخله منفعت و مصلحت کشور اسلامی مدنظر است؛ اما در کشورهای غربی منفعت و مصلحت شخص حاکم در نظر گرفته می‌شود.

نتیجه‌گیری

در حقوق بین‌الملل، حکومت‌ها قدرت عادلانه خود را از رضایت فرمان‌بران به دست می‌آورند و تنها منبع مشروعیت رضایت مردم است. پس نخستین شیوه دفاع از مشروعیت دولت و مداخله، مجموعه ترتیبات نهادی و اقدامات در نظر گرفته شده برای حمایت از اصل حاکمیت قانون در خصوص دستیابی به قدرت دولت و اعمال آن است. اما در عمل می‌بینیم که در دهه اخیر مداخله کشورهای غربی در کشورهای عربی خلاف دیدگاه‌های آنها را نشان می‌دهد. در کشور یمن، عراق و بحرین و... با وجود نارضایتی اکثریت مردم و شورش برای حق تعیین سرنوشت به مداخله در این کشورها و سرکوب اکثریت مردم می‌پردازند. از نظر غربی‌ها باید حمله نظامی شروع شده باشد تا مداخله نظامی انجام شود. اما از دیدگاه اسلام، مشروعیت حکومت از طرف خداوند به امام معصوم علیه السلام داده شده است و برای مداخله نیازی به شروع تجاوز نیست، بلکه دشمنان اگر بخواهند با هر حيله و نیرنگی آشوب داخلی، شورش و... در حاکمیت نظام اسلامی یا امنیت مسلمانان خللی ایجاد کنند باید به کمک مسلمانان شتافت حتی اگر دولت اسلامی رضایت به مداخله نظامی ندهد، رضایت ساقط می‌شود؛ زیرا مداخله بشردوستانه از دیدگاه اسلام تعهدی اخلاقی است تا سیاسی.

براساس فقه شیعه در زمان حضور امام یکی از شرایط امامت و رهبری عصمت اوست؛ پس اگر حاکم معصوم نباشد، حاکم جور تلقی شده و مداخله او در امر حکومت نارواست. از طرف دیگر در زمان غیبت نیز حاکم باید با اذن امام باشد در غیر این صورت نیز حاکم جور فرض می‌شود. و چون چنین اذنی، اختصاص به فقیه عادل دارد یا برای غیر او به اثبات نرسیده است، پس دولتی که در رهبری فقیه قرار نگیرد، دولت جور و طاغوت است. البته باید توجه داشت که همه دولت‌های جور در شرایط یکسانی قرار ندارند و ممکن است با در نظر گرفتن عوامل دیگر، نوعی همکاری و فرمان‌برداری، لازم و ضروری باشد. از این نظر دولت‌های جور را به دولت‌های در شرایط اضطرار، و دولت‌های در شرایط عادی می‌توان

تقسیم کرد. در گروه اول، هر چند دولت «ذاتاً» بدون مشروعیت است، ولی در اثر شرایط اجتماعی و سیاسی، باید از مخالفت با آن چشم پوشی کرد تا مصلحت بالاتری تأمین شده یا از فساد بیشتری جلوگیری شود. در چنین وضعی، «لزوم اطاعت» برخاسته از «مشروعیت حکومت» نیست، بلکه در اثر «عنوان ثانوی» است. فقهای شیعه هر چند همکاری با دولت جور را حرام می‌دانند، ولی در هنگام حمله روسیه به ایران، شیخ جعفر کاشف‌الغطاء، از مردم ایران می‌خواهد که با دولت همکاری کنند، ولی این توصیه به همکاری را به معنای مشروعیت حکومت نباید دانست.

این تصریح و تأکید از سوی فقهای شیعه در برابر پادشاهان، نشان می‌دهد که آنان حتی در شرایط هجوم بیگانگان هم حاضر نبوده‌اند جامعه مشروعیت به دستگاه حکومت ببوشانند، بلکه با کمال جرئت و جسارت، لیاقت و صلاحیت آنان را نفی کرده و در حد ضرورت انحصار امر در دفع دشمنان دین به شاه شیعیان همکاری را مجاز و لازم شمرده‌اند و حتی در این موارد هم توضیح داده‌اند که «اطاعت سلطان» واجب نیست، بلکه «رفع سلطه دشمن» واجب است و اطاعت وی صرفاً جنبه «مقدمی» داشته و «بالعرض» لازم می‌گردد.

تفاوت‌ها و شباهت‌های دعوت به مداخله در اسلام و غرب به اختصار به این شرح است: تشابه موجود میان اسلام و غرب به معنای همسانی یا تطبیق کامل بین دو نظام نیست، بلکه صرفاً تشابه در برخی مفاهیم و مواضع است، زیرا نظام اسلام در اصول، مبانی، منابع و اهداف با دیگر نظام‌های حقوقی متفاوت است. نظام حقوقی اسلام بر دو منبع قرآن و سنت تکیه دارد، در حالی که نظام حقوق بین‌الملل اساساً یافته بشری است و می‌تواند از زمانی به زمان دیگر متحول شود یا تغییر یابد.

تشابه: ۱. پذیرش اصل عدم مداخله؛ ۲. پذیرش مداخله نظامی؛ ۳. پذیرش حق تعیین سرنوشت؛ ۴. مشروعیت دعوت‌کننده.

جدول ۹. تفاوت مداخله نظامی در اسلام و غرب

بر اساس	اسلام	غرب
رضایت	شریعت اسلام	قانون اساسی
منشأ مشروعیت	خداوند	مقبولیت مردم

نسبی	مطلق	مفهوم مشروعیت
مشروعیت دموکراتیک	مشروعیت الهی	نوع مشروعیت
کشور	دین	ملاک دعوت
پایبند نبودن به اصول؛ تفکیک نکردن بین نظامیان و غیرنظامیان	پایبند به اصول ضرورت و تناسب؛ تفکیک نظامیان و غیرنظامیان	اصول جنگ
غیرمجاز	مجاز	نوع تجهیزات

(منبع: یافته‌های تحقیق)

کتابنامه

- ابن هشام، عبدالملک (۱۴۲۲ق). السیره النبویه لابن هشام، تحقیق مصطفی سقا و ابراهیم ایباری و عبدالحفیظ شبلی، [بی‌جا]، طبعه مصطفی البابی الحلبی، جلد ۱ و ۵.
- ابوالوفا، احمد (۲۰۰۱). کتاب الاعلام بقواعد القانونی الدولي والعلاقات الدولیه فی شریعه الاسلام، مصر، دارالنهضة العربیه.
- توکلی طبسی، علی (۱۳۹۴). مشروعیت مداخله دموکراتیک از منظر حقوق بین‌الملل، تهران، مجمع علمی فرهنگی مجد.
- حارب‌المهیری، سعید عبدالله (۱۹۹۵). العلاقات الخارجیه للدوله السلامیه، بیروت، مؤسسه الرساله.
- الحلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۹ق). تذکره الفقهاء، قم، مؤسسه آل‌البتین، لایحه التراث.
- رضوانی قوام‌آبادی، محمدحسین و حیدر پیری (۱۳۹۷). «مشروعیت مداخله نیروهای ائتلاف علیه داعش در عراق و سوریه در چارچوب حقوق بین‌الملل»، دوفصلنامه حقوقی بین‌المللی، سال سی و پنجم، شماره ۵۸، بهار و تابستان، صص ۲۱۵-۲۳۸.
- سعادت‌زاده، عبدالصمد (۱۳۹۴). بررسی فقهی استعانت از غیرمسلمانان در درگیری‌های نظامی، تهران، نشر احسان، چاپ اول.
- صالحی نجف‌آبادی، احمد (۱۳۹۷). ولایت فقیه، حکومت صالحان، تهران، رساء.
- ضیایی، سید یاسر و محسن یدائی‌امناب (۱۳۹۵). «مداخله نظامی خارجی در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی از منظر حقوق بین‌الملل: بررسی وضعیت عراق، سوریه، یمن و بحرین»، فصلنامه آفاق امنیت، سال هشتم، شماره ۳۲، پاییز، صص ۱۲۳-۱۵۱.
- عبدالرزاق، محمود عبدالفتاح (۲۰۰۲). مبدا عدم التداخل و التداخل فی القانون الدولي العام، اربیل، مؤسسه موکریانی للطباعه و النشر.

مطالعه تطبیقی مشروعیت مداخله نظامی از طریق دعوت در اسلام (شیعه) ... ۳۱۵

عبدالی، زانبار؛ نیاکوئی، امیر (۱۳۹۸). «تناقض بین دو اصل حق تعیین سرنوشت و حق حاکمیت ملی در حقوق بین الملل مطالعه موردی: بحران اوکراین و جدایی کریمه از آن

کشور»، فصلنامه سیاست، سال ۴۹، شماره ۳، پاییز، صص ۷۰۱-۷۲۴.

فضائی، مصطفی (۱۳۹۵). «مداخله نظامی در یمن از منظر حقوق بین الملل»، فصلنامه

مطالعات حقوق عمومی، سال چهل و ششم، شماره ۱، بهار، صص ۴۱-۷۰.

فیرحی، داود (۱۳۹۰). تاریخ تحول دولت در اسلام، قم. دانشگاه مفید.

قانون اساسی یمن، ۱۳۸۲.

قطعه نامه ۲۲۴۹ شورای امنیت.

کلینی، ابوجعفر، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی، دارالکتب الإسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ج ۲.

مبینی، احمدرضا؛ مبینی، جواد، عسکری پوریا (۱۳۹۹). «قاعده منع توسل به زور و حملات

آمریکا و متحدانش به سوریه در خلال سال های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸»، فصلنامه مطالعات حقوق

عمومی، سال ۵۰، شماره ۱، بهار، صص ۳۱۱-۳۳۲.

میرمحمدی، سیدمصطفی (۱۳۹۷). اصل عدم مداخله در اسلام و حقوق بین الملل،

دانشگاه مفید قم، چاپ گلودی.

نادر ساعد، نادر (۱۳۹۲). «تهدید به مداخله نظامی در حقوق بین الملل معاصر: مورد پژوهش قضیه

سوریه»، مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال چهل و ششم، شماره ۵۳، بهار، صص ۴۱-۷۰.

واقدی، محمدبن عمر (۱۴۰۴ق). کتاب المغازی، قاهره، چاپ افست، [بی نا].

Arimatsa, Louise (2014). "The Legal Classification of the Armed Conflicts in Syria, Yeman and Libya", Chatham House, Retrieved March 25, 2014.

Cassese, Antonio (2014). The Current Legal Regulation of the Use of Force, Dordratic: Martin usNijhoff Publishers.

Corten, Oliver (2014). The Military Operations against the Islamic State, in: T. Ruys, O. Corten and A. Hofer (ed.), The Use of Force in International Law.

Fernandas, Julian (2017). "As estruturas do direito de legitima defesa: a intervencao francesa na Siria", Anuario Brasileiro de Direiti Internacional, vol. 1, no. 22, pp 73-98.

Lieblich, Eliav (2011). "Intervention And Consent: Consensual Forcible Interventions In Internal Armed Conflicts As International Agreements", Boston University International Law Journal, Vol. 29:337.

- Teson, Fernando (1998). "A philosophy of International Law", Culture and Society, Westview press, Colorado-oxford.
- Wippman, D (1996). "Change and Continuity in Legal Justifications for Military Conflict", Columbia Human Rights Law Review, vol. 27,p. 435.
- Zemanek, Karl (2013). "Armed Attack, Max Planck Encyclopedia of Public International Law", article last updated October.
- ICJ, (1971), Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia (South West Africa) notwithstanding Security Council Resolution 276 (1970), (Advisory Opinion of June 21).
- ICJ, (1986), Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. U.S.), (Judgment of June 27).
- ICJ, (2005), Armed Activities on the Territory of Congo (Democratic Republic of Congo v. Uganda), (Judgment of December 19).
- Institute De Droit International _ Session De Santiago; 2007, 10th commission: Present Problems of the use of force in International Law D. Sub-group on Intervention by Invitation
- S/PRST/2011/16, August 2011.
- A Comparative Study of the legitimacy of Military Intervention through Intervention in Islam(Shia) and in the West with emphasis on the legitimacy of the Inviter Official